



حجاب (۲)

پدیدآورنده (ها) : ابراهیمی، حسن

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۱۲ (چشم - چشم پزشکی - حرانی، ابن شعبه)

صفحات : از ۶۱۲ تا ۶۱۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1698848>

دانلود شده توسط : مجتبی مزروعی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- حجاب و مراحل تشریع آن در قرآن
- سحر سلیقه ضرورت درک زیبایی حجاب، بدون توسل به ملاک های رایج زیبایی
- گستره حجاب در قرآن
- تحقیقی در باب معنای (جلباب) در قرآن کریم
- مبانی نظری مداخله ی دولت در مسئله ی حجاب
- بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر گرایش به حجاب (مطالعه موردی: دانشجویان دختر دانشگاه پیام نور شهر آبدانان)
- ارتباط عفیفانه به مثابه نظریه ای فرهنگی - ارتباطی
- الزامات همسویی نهادهای سیاست گذار و اجرایی در فرایند خط مشی گذاری فرهنگی عفاف و حجاب
- رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان
- مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان
- بررسی مدیریت تعارض در سازمان وکالت
- بررسی جایگاه حجاب در اقتصاد سرمایه داری؛ زن یعنی سرمایه

عناوین مشابه

- حجاب المرأة بقسمیه الحقیقی و ما یقوم مقامه ۲-
- حجاب المرأة بقسمیه الحقیقی و ما یقوم مقامه ۲-
- للنشر الحر: حجاب المرأة دین و المبالغة فیة عادة شریفة فی الإسلام و قبله (۲)
- سینما و حجاب (۲)
- جایگاه حجاب در اسلام (۲)
- استثنای مشروط در حجاب (۲)
- حجاب و امنیت اجتماعی (۲)
- للنشر الحر: حجاب المرأة عادة لا دین (۲)
- سالانه ۲ - ۲/۵ میلیون فرصت شغلی فقط با حمایت از تولید
- ۲ - صدی الشکوی

گردآوری ابوالقاسم علیانزادی، قم ۱۳۸۵ ش؛ حسینعلی منتظری، رساله توضیح المسائل، تهران ۱۳۷۷ ش؛ الموسوعة الفقهية، ج ۴۱، کویت: وزارة الاوقاف والشئون الاسلامية، ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ محمد مؤمن قمی، کتاب الصلاة، تقریرات درس آیةالله محقق داماد، قم ۱۴۰۵؛ مصطفی میرمحمدی، «عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها»، کتاب زنان، ش ۳۷ (پاییز ۱۳۸۶)؛ مجتبی مینوی، «پوشیدن روی یا نهوشیدن روی: در دفاع از کشف حجاب»، در رسائل حجاییه، همان منبع، دفتر ۲؛ محمدحسن بن باقر نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۹، چاپ محمود قوچانی، بیروت ۱۹۸۱؛ احمدبن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۱۶، قم ۱۴۱۹؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم ۱۴۰۷-۱۴۰۸؛ حسین هاشمی، «نقدی بر ماده ۶۳۸ ق.م.ا. در جرم‌انگاری بدحجابی»، کتاب زنان، ش ۳۷ (پاییز ۱۳۸۶)؛ علی بن ابوبکر هیمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛

Leila Ahmed, *Women and gender in Islam: historical roots of a modern debate*, New Haven 1992; *Encyclopedia Judaica*, Jerusalem 1978-1982, s.v. "Head, covering of the" (by Meir Ydit); *Elr.* s.vv. "Ādār. I: in early literary sources" (by Bijan Gheiby), "Ādār. II: among Zoroastrians" (by James R. Russell); *The encyclopedia of religion*, ed. Mircea Eliade, New York 1987, s.vv. "Clothing, religious clothing in the west" (by Deborah B. Kraak), "Tertullian" (by E. Glenn Hinson); *Encyclopedia of the women & Islamic cultures*, ed. Suad Joseph, Leiden: Brill, 2003-2007; *The Oxford encyclopedia of the modern Islamic world*, ed. John L. Esposito, New York 1995, s.v. "Hijāb" (by Fadwa el Guindi).

/ فریده سعیدی /

حجاب (۲)، اصطلاحی در عرفان اسلامی به معنای

آنچه مانع یا واسطه آشکار شدن خدا بر غیر اوست. حجاب در لغت به معنای ستر است؛ از این رو، هر چه سبب شود شیئی از شیء دیگر پوشیده و پنهان گردد، حجاب نامیده می‌شود (خلیل بن احمد؛ ابن منظور، ذیل «حجب»). همچنین حجاب به معنای مانع و حائل میان بیننده و شیء مرئی است (طریحی، ذیل «حجب»). علاوه بر این، در معنایی عام هرگونه مانع میان دو چیز را حجاب نامیده‌اند (خلیل بن احمد؛ ابن منظور، همانجا).

در عرفان اسلامی، حجاب به معانی متناظر با معنای لغوی آن (ستر و پرده) به کار رفته است (روزبهان بقلی، ۱۳۴۴ ش، ص ۱۶۳، ۲۰۱؛ ابن عربی، فتوحات، ج ۴، ص ۲۱۵). صورتهای و تعینات موجودات یا صورتهایی که خدا به واسطه آنها بر بنده

خود آشکار می‌شود، حجاب و ستر او هستند. در بیانی فنی‌تر، حجاب به معنای انطباق صور کونی (مادی و دنیوی) در قلب است به گونه‌ای که تمام آن را فراگیرد و امکان تجلی حقایق در قلب وجود نداشته باشد (عبدالرزاق کاشی، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۳۳) و در حقیقت هر آنچه سالک را از حق باز دارد، حجاب است. بر این پایه، علوم و معارف یا کشف و شهود سالک و نیز هستی او همه حجاب‌اند (روزبهان بقلی، ۱۳۴۴ ش، ص ۵۷۲).

معنای اصطلاح حجاب و مرادفهای آن، در نسبت با سه رکن اساسی آموزه‌های عرفانی (یعنی ذات حق، عالم و انسان)، روشن می‌شود. اگرچه خدا بالنسبه به خویش از هرگونه حجابی میراست، در نسبت انسان با خدا مراتب متعددی از حجاب و پوشیدگی وجود دارد که با مراتب سلوکی ارتباط وثیقی دارند. از سوی دیگر، معنای عالم نیز پیوند نزدیکی با معنای حجاب دارد.

مکاشفه (کشف و شهود)* آگاهی به غیب و ماورای حجاب است، اما این بدان معنا نیست که هر چیزی به مدد مکاشفه قابل درک و شناخت است، زیرا حق تعالی از حیث حقیقت و هویت غیبی اطلاقی و بدون تعیین خویش در حجاب عزت خود است (فناوری، ص ۲۵۲). به گفته ابن عربی (فتوحات، ج ۲، ص ۱۲۹)، حجاب عزت همان حیرتی است که مانع از شناخت حقیقت ذات حق است (نیز به حیرت*). به گفته شعرانی (ص ۱۰۵)، مراد ابن عربی از حجاب عزت یا حجاب عظمت، احاطه نداشتن بر حق تعالی است. کبریا (عظمت) نیز در حدیث قدسی «کبریا ردای من است»، حجابی است که مانع از شناخت ذات خداست (ابن عربی، فتوحات، ج ۲، ص ۱۰۴). حق تعالی از حیث ذاتش بر موجودات تجلی نمی‌کند و تجلی و ظهور او (تجلی*) از پشت حجابهای آسمانی است (قیصری، ص ۴۱۴). اسماء الهی، به معنای ظهور ذات خدا به همراه صفات کمالی او، حجابهای ذات‌اند (همان، ص ۴۳-۴۴)، اما برای اعیان ممکن، علت خلق و ایجاد هستند؛ لذا گفته شده است که موجودات ممکن از وراي (به واسطه) حجاب اسماء به مرتبه امکان رسیده‌اند (ابن عربی، فتوحات، ج ۲، ص ۱۱۰-۱۱۱). اسماء الهی علاوه بر اینکه حجاب ذات مقدس الهی‌اند، در عین حال هر یک حجاب اسماء دیگرند (همان، ج ۱، ص ۶۵۶). علاوه بر حجاب اسماء، مرتبه جامع اسماء و صفات نیز (که از آن به واحدیت و گاه عماء یاد می‌شود)، از حجابهای خداست (قیصری، ص ۴۳). اصطلاح عماء ریشه در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد که از ایشان درباره جایگاه حق قبل از خلق سؤال شده و پاسخ داده‌اند که در عماء بود (کان فی عماء؛ عبدالرزاق کاشی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۲۶). عماء در اصطلاح عرفا گاه به احدیت و گاه به

امام خمینی). حکیم قمشه‌ای (ص ۲۰۹-۲۱۰) ناپاکیهای مقام نفس را حجابهای ظلمانی، و انوار مقام قلب و پرتوهای مقام روح را حجابهای نورانی دانسته است که سالک با «سفر من الخلق الی الحق» آنها را رفع می‌کند و به مقصود می‌رسد، آنگاه جمال حق تعالی را مشاهده می‌کند و ذاتش در او فانی می‌گردد. بنابراین آموزه‌های عرفانی، تمام ماسوی‌الله حجاب حق‌اند و ضخیم‌ترین حجاب میان سالک و حق تعالی، خودِ عالم است (ابن عربی، فتوحات، ج ۴، ص ۱۱۲؛ همو، فصوص، ج ۲، تعلیقات عقیفی، ص ۲۰۳). عالم نه تنها حجاب حق است بلکه عین حجاب بر نفس خویش نیز هست. تعین و اِیْتِنی که عالم بدان عالم است و از حق تعالی متمایز می‌گردد، عین حجاب آن است و در صورتی که این حجاب مرتفع گردد عالم منعدم می‌شود (قیصری، ص ۳۹۷؛ نیز ابن جندی، ص ۱۸۳-۱۸۴). قیصری از منظر دیگری به حجاب عالم و تأثیر آن در ادراک حق نگریسته است. به گفته وی (ص ۳۹۸)، عالم حق را آن چنان که هست درک نمی‌کند، اما مظهر حق تعالی است و به دلیل همین مظهریت، مشتمل بر اوست؛ لذا، فی‌الجمله حق را درک می‌کند. این تبیینها از شأن و منزلت هستی‌شناسانه حجاب، نوعی اجتناب‌ناپذیری را برای حجاب به منزله واسطه ارتباط حق با خلق به رسمیت می‌شناسد. در نظر ابن عربی (فتوحات، ج ۴، ص ۲۱۵)، بنابراین «وَ مَا كَانَ لِشَيْءٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا...» (و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده‌ای بفرستد...؛ شوری: ۵۱)، خود آن صورتی که حق در آن بر عبد خود تجلی می‌کند یا رسولی که واسطه وحی است، ستر و حجاب حق است (نیز ابن همان، ج ۱، ص ۴۱۰، که ذیل این آیه صورتی را که تجلی در آن وقوع می‌یابد نزدیک‌ترین حجابها به حق می‌داند). همچنین رسول‌الله، بنابراین آیه «... فَأَجْرُهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ...» (... او را پناه ده تا کلام خدا را بشنود...؛ توبه: ۶)، اگرچه نقش متکلم را ایفا می‌کند، خود ستر و حجاب کلام الهی است. ابن عربی در فقره دیگری (فتوحات، ج ۲، ص ۷۱)، درباره تکلم حق از ورای حجاب، می‌گوید مراد شنواندن از ورای حجاب، حروف مقطعه و اصوات یا حجاب گوش شنونده یا حجاب بشریت است که در این حالت خدا از طریق اشیا سخن می‌گوید، کما اینکه موسی علیه‌السلام وقتی به آن درخت رسید، این ندا را شنید که من خدا هستم. وی (فتوحات، ج ۴، ص ۴۳) همچنین حجاب عبد را از خود او می‌داند، زیرا وجودش عین حجاب است. روایتی منقول از امام موسی کاظم علیه‌السلام (آیس الحجاب بینه و بین خلقه إلا خلقه) نیز مضمون این سخن را تأیید می‌کند (مجلسی، ج ۳، ص ۳۲۷؛ قیصری، ص ۳۹۸، پانویس ۱۵۲، تعلیقه آشتیانی).

واحدیت اطلاق شده است (آملی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۴۳۹). صفات و نعوت الهی نیز به اعتبار اینکه حائلی میان حق و خلق‌اند و نیز به اعتبار اینکه تجلی و ظهور ذات‌اند، از جمله حجابها هستند (ابن عربی، فتوحات، ج ۴، ص ۱۶۳؛ عبدالرزاق کاشی، ۱۳۷۰ ش، ص ۳۳۰).

در عرفان اسلامی برای خدا حجابهای نوری و ظلمانی ذکر شده است. این قسم از حجابها برگرفته از این روایت پیامبر اکرم است: «إِنَّ لِلَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَ ظُلْمَةٍ لَوْ كَشَفَهَا لَأَخْرَقَتْ سُبْحَاتٍ وَجْهٍ مَا أَدْرَكَهُ بَصَرُهُ مِنْ خَلْقِهِ» (وجه‌الله تعالی هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت دارد و اگر آن حجابها را از رویش کنار زند، انوار رویش به هر خلقی که رسد او را می‌سوزاند). به گفته ابن عربی (فتوحات، ج ۲، ص ۱۵۹)، این حجابها بسیار لطیف‌اند، چنان‌که از سویی آنها را نمی‌بینیم و از سوی دیگر، و به‌رغم وجود چنین حجابهایی، خداوند فرموده است: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ما از شاهرگ او به او نزدیک‌تریم، ق: ۱۶). رفع حجابهای نوری و ظلمانی که حق بدانها از عالم مُحْتَجَب شده، از آن‌رو سبب سوختن مخلوقات می‌شود که حقیقت موجودات ممکن را نور و ظلمت تشکیل می‌دهد؛ لذا، همواره از ورای حجاب هستی خود به خدا نظر می‌کنند و اگر این حجابها رفع شوند وجود امکانی آنها نیز زایل خواهد شد و از همین‌رو خدا لازمه ارتفاع این حجابها را سوختن مخلوقات دانسته است (ابن عربی، فتوحات، ج ۳، ص ۲۷۶). خداوند در قرآن (نور: ۳۵) نیز خود را نور آسمانها و زمین خوانده است. بر این اساس، ابن عربی (فتوحات، ج ۴، ص ۳۸) معتقد است قسمی از نور وجود دارد که بدان می‌شود اشیا را ادراک کرد، ولی خود آن ادراک نمی‌شود. در این حالت، نور برای انسان در حجاب است. وی در جای دیگر (فصوص، ج ۱، ص ۵۴) حجابهای ظلمانی حق تعالی را اجسام طبیعی و حجابهای نوری او را ارواح لطیفه دانسته است که هر دو مظهر صفات‌اند، اگر چه از جهتی پوشاننده ذات محسوب می‌شوند (نیز ابن خوارزمی، ج ۱، ص ۹۴). قیصری (ص ۷۸۸-۷۸۹) حجابهای نوری و ظلمانی حق متعال را مراتب تجلی و ظهور دانسته است. عبدالرزاق کاشی (۱۳۷۰ ش، ص ۳۳۱) فنای خلق را به رفع حجابهای نورانی و ظلمانی جلال دانسته است. از نظر او، این رفع حجب با سوختن حجابهای مزبور بر اثر نور جمال وجه باقی، تحقق می‌یابد. همچنین حجابهای نوری می‌توانند حضرت اسمانی باشند، زیرا اسماء الهی حجاب طلعت ذات الهی‌اند، به این اعتبار که مانند روی آینه‌اند که ذات الهی در آنها ظهور نموده است. همچنین ممکن است حجابهای نوری، ظهور اسماء در مرتبه عالم ظاهر باشند و اعیان خارجی نیز حجابهای ظلمانی باشند (قیصری، ص ۳۹۶، پانویس ۱۴۹، تعلیقه

نزد رؤیت کننده ساقط می شود (همان، ج ۴، ص ۴۱۳). به دیگر سخن، رؤیت حجابی است بر قدر و منزلت مرئی و این از آن روست که رؤیت کننده تنها صورت مرئی را می بیند مگر اینکه بداند چه چیزی را دیده است و بداند آنچه او دیده تنها صورتی بوده است و حقیقت مرئی نیست (همان، ج ۴، ص ۴۲۰). بر پایه تأکیدی که بر رؤیت از ورای حجاب رفت، داستان حضرت موسی علیه السلام و تقاضای او برای رؤیت خدا (اعراف: ۱۴۳) نیز تفسیری دیگر می یابد.

گذشته از معنای هستی شناسانه حجاب، از منظر سلوکی نیز آثار حجاب بر سالک و طرق رفع حجاب، از دیگر مباحث مهم موضوع حجاب در متون عرفانی است، زیرا اهمیت حجاب در عرفان اسلامی بیشتر به آثار آن بر سالک و سعادت یا شقاوت او مربوط می شود، زیرا سعادت سالک در گرو قرب معنوی، شناخت و معرفت رب است و حجاب و آثار آن مانع از نبل به چنین جایگاهی است؛ لذا، شناخت آثار حجاب نیز، افزون بر شناخت حجاب و اقسام آن، در طریقت صوفیه اهمیت بسزایی دارد. از جمله آثار حجاب، عدم سماع تسبیح موجودات است، در حالی که اهل کشف قادر به شنیدن تسبیح موجودات اند (بالی زاده، ص ۶۲). حجاب حواس و عقل، مانع ظهور اسرار باطنی است (فرغانی، ص ۹۸). عهد الست، که بر اثر کثرت ظهورات، در حجاب نسیان رفته، بر اثر توبه و تذکر و علم و خرق حجاب کثرت، ظاهر می شود (همان، ص ۱۵۵). روزبهان بقلی (۱۹۷۳، ص ۲۵۲) برای حجاب ارزش تربیتی نیز قائل است. به گفته وی، عالم ملکوت پر از حجاب است و خدا ولی خود را در تمام این حجابها به انوار غیب تربیت می کند تا درست و استوار گردد، آنگاه این حجابها برداشته می شود و سالک، جمال حضرت حق را می نگرد.

رفع حجابهای سلوکی و عوامل رفع این سنخ از حجابها نیز از نظر عرفای مسلمان دور نمانده است. غزالی (ج ۳، ص ۲۰۵) مال و مقام و تقلید و معصیت را حجاب میان مرید و حق دانسته و بر آن است که حجاب مال به خارج شدن آن از دارایی شخص (مگر به قدر ضرورت) مرتفع می شود و حجاب مقام به دوری از موضع آن. ترک تعصب به مذاهب، راه رهایی از تقلید است و حجاب گناه، با توبه و عزم بر بازنگشتن به گناه مرتفع می شود. از نظر غزالی (ج ۳، ص ۱۳۲)، رفع حجاب به طور کامل با مرگ است اما در بیداری نیز کشف حجاب به لطف خفی از سوی حق ممکن است. ابن عربی (فتوحات، ج ۲، ص ۲۴۱) رفع حجاب از قلب را منوط به ذکر و تلاوت قرآن دانسته است. پس از جلای قلب، نوری در آن پدیدار می شود که چون با نور وجود حق، که بر تمام موجودات گسترده است، توأم گردد معنیات آنچنان که هستند - بر او آشکار می گردد؛ اما آملی

حجاب به منزله مانعی در برابر ادراک خدا تنها در مورد انسان معنا دارد. بر همین اساس، عرفای مسلمان در آثار خود از مصادیق حجاب برای انسان سخن گفته اند. مهم ترین و مقدم ترین حجاب انسان، قبل از هر حجاب دیگری، نفس اوست. به گفته ابوسعید ابوالخیر، سخت ترین حجاب میان بنده و خدا دعوی نفس است (- محمد بن منور، بخش ۱، ص ۲۸۷). ذوالنون مصری نیز سخت ترین حجابها را دیدن نفس می داند (- عطار، ص ۱۴۸). ابن عربی (فتوحات، ج ۳، ص ۱۴۰) بزرگ ترین حجاب را حجاب نظر به نفس دانسته است (نیز - روزبهان بقلی، ۱۹۷۳، ص ۱۶).

افزون بر حجاب نفس، متون عرفانی مشحون از بحثها و بررسیهای عمیق درباره حجابهای قلب و آثار این حجابها بر آن است. هنگامی که قلب به علم اسباب مشغول شود و از علم بالله واماند، همین تعلق او به غیر، حجاب قلب است؛ البته خدا در تجلی دائم است و به این معنا برای تجلی او حجاب یا انقطاعی متصور نیست، اما آنچه مانع از تجلی حق بر قلب است، اشتغال و تعلق قلب به غیر است (ابن عربی، فتوحات، ج ۱، ص ۹۱).

ابن عربی (فتوحات، ج ۱، ص ۲۵۸) حجاب را معیار و محکی برای برتری اعمال عبادی قرار می دهد. به اعتقاد او نماز، مناجات (مکالمه) از ورای حجاب است، اما نتیجه روزه لقاء الله و مشاهده است و بر این پایه، روزه از نماز کامل تر است. دعا نیز در نظر ابن عربی (فتوحات، ج ۴، ص ۱۷۷) از جمله حجابهاست و عبادت، حتی عبادت انسان کامل، همیشه از طریق حجاب اسما و صفات واقع می شود (- قیصری، ص ۵۷۹، پائویس، تعلیقه امام خمینی). روزبهان بقلی (۱۹۷۳، ص ۱۶۹) نیز اشتغال به وظایف عبودیت را از لطیف ترین حجابها دانسته است. به گفته ابن عربی (فتوحات، ج ۱، ص ۶۵۰)، تکلم از پشت حجاب شامل تکلم انسان با خدا نیز می شود، زیرا انسان نیز از پشت حجاب با خدا سخن می گوید. وی (فتوحات، ج ۲، ص ۶۰۱ - ۶۰۲) با اشاره به نظر کسانی که معتقد بودند در تکلم حق با بنده فقط حجاب بشریت در کار است و با خروج از بشریت حجاب نیز رفع می گردد، با این رأی مخالفت کرده و گفته است که ورای بشریت حجابهای دیگری هست که خدا از پس آنها با بنده سخن می گوید. به گفته وی (فتوحات، ج ۳، ص ۳۳۲)، مکالمه از ورای حجاب که در آیه ۵۱ سوره شوری به آن اشاره شده، خطابی الهی است که بر سماع واقع می شود، بر خلاف وحی که بر قلب القا می شود. مشاهده حق نیز از ورای حجاب است.

اما مشاهده و رؤیت*، که از پشت حجاب میسر می شود، خود نیز حجاب است، زیرا به واسطه رؤیت، بزرگی شأن مرئی

تهران ۱۳۴۴ ش؛ همو، کتاب مشرب الارواح و هوالمشهور بهزار و یک مقام (بألف مقام و مقام)، چاپ نظیف محرم خواجه، استانبول ۱۹۷۳؛ عبدالوهاب بن احمد شعرانی، الیواقیت و الجواهر فی بیان عقاید الاکابر، بیروت ۱۹۹۷/۱۴۱۸؛ فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، چاپ احمد حسینی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ عبدالرزاق کاشی، اصطلاحات الصوفیة، چاپ محمدکمال ابراهیم جعفری، [قاهره] ۱۹۸۱؛ همو، شرح... فصوص الحکم، قم ۱۳۷۰ ش؛ همو، لطائف الاعلام فی اشارات اهل الالهام، چاپ مجید هادی زاده، تهران ۱۳۷۹ ش؛ محمد بن ابراهیم عطار، تذکرة الاولیاء، چاپ محمد اسلامی، تهران ۱۳۷۸ ش؛ محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲؛ سعیدالدین بن احمد فرغانی، مشارق الدراری؛ شرح تائیه ابن فارض، چاپ جلال الدین آشتیانی، تهران ۱۳۵۷ ش؛ محمد بن حمزه فناری، مصباح الانس، در محمد بن اسحاق صدرالدین قونیوی، مفتاح الغیب، چاپ محمد خواجهوی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ محمدرضابن ابوالقاسم قشعای، مجموعه آثار حکیم صهبا، چاپ حامد ناجی اصفهانی و خلیل بهرامی قصرچمی، اصفهان ۱۳۷۸ ش؛ داوود بن محمود قیصری، شرح فصوص الحکم، چاپ جلال الدین آشتیانی، تهران ۱۳۷۵ ش؛ مجلسی؛ محمد بن مؤثر، اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید، چاپ محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران ۱۳۶۶ ش؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، چاپ محمود عابدی، تهران ۱۳۸۳ ش.

/ حسن ابراهیمی /

حجاج شیرازی، فتحعلی ← فتحعلی حجاج

حَجَّاج بن اَرطَاة نَعْمی کوفی، کنیه اش ابوارطاة، محدث و قاضی و فقیه قرن دوم. محل و سال تولد او دانسته نیست، ولی به نوشته ذهبی (۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۸)، وی در زمان حیات انس بن مالک (متوفی ۹۳) و بنابرین، در اواخر قرن اول هجری متولد شده است. حجاج از برخی تابعین، از جمله عطاء بن ابی رباح، عمرو بن شعیب، قتادة بن دُعامة، زید بن جبیر طائی و منصور بن مُعتمر، حدیث نقل کرده و از برخی، مانند مجاهد و زُهری و مکحول، با اینکه حدیث نشنیده، روایت نموده است (← خطیب بغدادی، ج ۹، ص ۱۳۳؛ ذهبی، ۱۴۰۱-۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۹). کسانی چون حماد بن زید، سُفیان ثوری، هُشَیم بن بشیر، یزید بن هارون، قیس بن سعد، استاد حجاج یعنی منصور بن معتمر و بسیاری دیگر از او روایت نقل کرده اند (← خطیب بغدادی؛ ذهبی، همانجاها).

حجاج بن ارطاة نخستین کسی بود که از سوی خلفای عباسی، قاضی بصره شد و به منصب قضای کوفه نیز رسید (خطیب بغدادی، ج ۹، ص ۱۳۷-۱۳۹). وی در طراحی نقشه

(۱۳۶۸ ش، ص ۴۵۱) رفع حجاب را به خیری نسبت داده است که خدا برای بنده اش می خواهد.

در متون عرفانی، در کنار اصطلاح حجاب و مترادفات آن، کلماتی همچون غشاوه، لیس، ستر، ران، رَین، غین، و صداء نیز به کار رفته است. غشاء و غشاوه به معنای پوششی است که روی آئینه دل را می پوشاند و دیده بصیرت را تاریک می سازد (← عبدالرزاق کاشی، ۱۹۸۱، ص ۱۶۷). صداء به معنای زنگ زدگی فلزات و در اصطلاح، حجاب رقیقی است که با نور تجلی زایل می شود (همان، ص ۱۶۸). لیس صورتی عنصری (مادی) است که حقایق روحانی را می پوشاند (همان، ص ۷۲؛ نیز ← تلبیس*). ران حجابی است میان دل و عالم قدس (عبدالرزاق کاشی، ۱۹۸۱، همانجا؛ نیز ← مطلقین: ۱۴). هجویری (ص ۵۶۷) رَین را حجابی بر دل می داند که کشف آن جز به طریق ایمان ممکن نیست، و لذا مؤمن به رین متصف نمی شود. غین به معنای احتجاب از شهود در عین صحت اعتقاد و ایمان است (عبدالرزاق کاشی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۴۴). روزبهان بقلی (۱۳۴۴ ش، ص ۶۲۹) غین را عارضی ناشی از امتحان حق می داند که بر دل عارف می رسد. افزون بر این، خُراز به نقل روزبهان بقلی (۱۹۷۳، ص ۱۸۷) غین را مخصوص انبیا و بزرگان اولیا دانسته است. مستند صوفیه درباره وقوع غین درباره نبی اکرم این روایت است: «إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةً مَرَّةً» (تاریکی بر دلم می آید پس هر روز صد مرتبه از خدا آمرزش می خواهم؛ نیز ← ابونصر سراج، ص ۳۷۳، که این روایت را ضعیف دانسته است). همچنین در قرآن از غلاف قلب سخن گفته شده است (← بقره: ۸۸؛ نساء: ۱۵۵). غلاف قلب همان حجاب است که روی قلب را می پوشاند و مانع از درک آخرت می شود (← قیصری، ص ۸۰۴).

منابع: علاوه بر قرآن؛ حیدرین علی آملی، جامع الاسرار و منبع الانوار، چاپ هانری کورین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ همو، المقدمات من کتاب نص النصوص فی شرح فصوص الحکم لمحمی الدین ابن العربی، ج ۱، چاپ هانری کورین و عثمان اسماعیل یحیی، تهران ۱۳۶۷ ش؛ ابن عربی، الفتوحات المکیة، بیروت: دارصادر، [بی تا]؛ همو، فصوص الحکم و التعليقات علیه بقلم ابوالعلاء عفیفی، تهران ۱۳۷۰ ش؛ ابن منظور؛ ابونصر سراج، کتاب اللّمع فی التصوف، چاپ رینولد آلن نیکلسون، لیدن ۱۹۱۴، چاپ افست تهران [بی تا]؛ مصطفی بن سلیمان بالی زاده، شرح فصوص الحکم لابن عربی، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ مؤیدالدین بن محمود جندی، شرح فصوص الحکم، چاپ جلال الدین آشتیانی، مشهد ۱۳۶۱ ش؛ خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، قم ۱۴۰۹؛ حسین بن حسن خوارزمی، شرح فصوص الحکم محی الدین بن عربی، چاپ نجیب مالیل هروی، تهران ۱۳۶۴ ش؛ روزبهان بقلی، شرح شطحیات، چاپ هانری کورین،